نگاه حقوق‌دان

ماجرای تلخ قتل هانیه و الهه؛ خشونت ساختاری، قانون ناقص و فرهنگ خاموش

لیلا علی‌کرمی
وکیل پایه یک دادگستری

زن‌کشی در ایران، نه صرفا جنایتی فردی، بلکه جلوه‌ای از خشونت ساختاری است. قتل هانیه بهبودی، قهرمان مچ‌اندازی، به دست همسرش در خانه و قتل الهه حسین‌نژاد در مسیر خانه، به دست یک راننده مرد، بار دیگر زنگ خطر خشونت علیه زنان در ایران را به صدا درآورد؛ خشونتی که نه‌تنها در فضای خانه و خانواده که باید مأمن زنان باشد، رخ می‌دهد، بلکه در عرصه عمومی نیز زنان را تهدید می‌کند و ریشه در ساختارهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی دارد. این خشونت، بازتاب نابرابری نهادی و بی‌عملی قانون‌گذاران در برابر زن‌ستیزی ساختاری است. هانیه، زنی ورزشکار، پویا و مستقل که نه‌تنها در عرصه حرفه‌ای ورزش خوش درخشیده بود، بلکه قصد داشت در عرصه مربیگری نیز به فعالیت بپردازد، قربانی سوءظن و خشم همسرش شد؛ خشمی که در سایه نبود قانون حمایتگر و فرهنگ‌سازی لازم، به جنایت ختم شد. الهه حسین‌نژاد نیز زنی فعال در جامعه و فضای مجازی، در مسیر خانه و در فضایی عمومی، قربانی خشم و خشونت مردی شد که به‌عنوان راننده، او را همراهی می‌کرد. در هر دو پرونده، زنان به دلیل استقلال، حضور اجتماعی و انتخاب سبک زندگی متفاوت، هدف خشونتی مرگ‌بار قرار گرفتند؛ خشونتی که در نبود قانون بازدارنده و حمایت جدی، همچنان تکرار می‌شود. در ایران، سال‌هاست از ضرورت تصویب قانون جامع منع خشونت علیه زنان گفته می‌شود، اما این قانون هنوز در پیچ‌وخم‌های بررسی و تصویب باقی مانده است. طرح «صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» که در دولت‌ها و مجلس‌های مختلف دست به دست شده، همچنان نتوانسته به مرحله اجرا برسد. در نبود این قانون، زنانی که مورد تهدید، آزار یا خشونت قرار می‌گیرند، پشتوانه حقوقی محکمی برای حمایت ندارند. قتل هانیه بهبودی نمونه‌ای آشکار از این خلأ قانونی است. اگر قانونی جامع و اجرائی در زمینه منع خشونت علیه زنان وجود داشت، شاید نهادهای حمایتی زودتر از وقوع جنایت وارد عمل می‌شدند. شاید خود هانیه در صورت آگاهی از خطر، امکانی برای دریافت حمایت می‌داشت. اما قانون سکوت کرد و خشونت، در سکوت قانون، جان گرفت. یکی از دلایل اصلی تکرار خشونت علیه زنان در ایران، نبود فرهنگ‌سازی گسترده و پایدار در زمینه احترام به حقوق انسانی زنان است. بسیاری از مردان، ازجمله قاتل هانیه، خشم و سوءظن خود را با مفاهیمی مانند «غیرت»، «ناموس» و «حجاب» توجیه می‌کنند. این مفاهیم وقتی با فرهنگ مردسالارانه گره می‌خورند، خشونت را مشروع جلوه می‌دهند. قاتل هانیه با اشاره به «تصاویر با حجاب نامتعارف» همسرش در فضای مجازی، تلاش کرد قتل را توجیه‌پذیر جلوه دهد. این در حالی است که هیچ قانون، عرف یا دینی نمی‌تواند قتل را به واسطه انتخاب پوشش توجیه کند. اما وقتی آموزش‌های عمومی در زمینه حقوق زنان، کنترل خشم، احترام به انتخاب‌های فردی و تفاوت‌های شخصیتی وجود نداشته باشد، چنین باورهای غلطی تبدیل به مجوز نانوشته‌ای برای خشونت می‌شوند. زنان در ایران با مجموعه‌ای از قوانین تبعیض‌آمیز مواجه‌اند؛ حق طلاق محدود، حضانت فرزند، اجازه خروج از کشور و حتی قتل‌های موسوم به «ناموسی» که گاه با مجازات‌های سبک مواجه می‌شوند. در چنین زمینه‌ای، جایگاه زنان در خانواده و جامعه متزلزل می‌ماند و مردان، آگاه یا ناآگاه، از قدرت نابرابر قانونی بهره می‌گیرند. پرونده هانیه بهبودی تنها یک نمونه از این نابرابری است. زنی که در عرصه ورزش، استقلال و هویت اجتماعی یافته بود، قربانی حس تملک و سلطه‌طلبی همسرش شد. مردی که نه‌فقط شریک زندگی او، بلکه در عمل مالک تصمیم‌ها و حتی جان او شده بود.

ماجرای الهه حسین‌نژاد نیز شباهت‌های فراوانی با قتل هانیه دارد. الهه، زنی دیگر، قربانی خشونت و خشم شد. اما این بار، قاتل او یک راننده بود، نه همسر. در هر دو پرونده، عنصر مشترک، زن‌ستیزی ساختاری است. الهه هم مانند هانیه، قربانی نبود حمایت قانونی، نبود آموزش عمومی و ریشه‌های فرهنگی خشونت علیه زنان شد. پرونده الهه، مانند هانیه، گواه آن است که جامعه ما نه‌تنها در حفاظت از زنان شکست خورده، بلکه حتی در ثبت و بازتاب درست این فجایع نیز ناکام مانده است. بسیاری از رسانه‌ها این قتل‌ها را با تیترهایی خنثی و بدون تحلیل منتشر می‌کنند، بی‌آنکه به ریشه‌های ساختاری زن‌کشی بپردازند. این پنهان‌کاری رسانه‌ای، نبود سازوکار مشخصی برای حمایت از زنان در چنین موقعیت‌هایی ازجمله پلیس تخصصی در زمینه خشونت جنسیتی، پناهگاه امن، پیگیری جدی تهدیدهای کلامی یا رفتاری خلأ قانونی و نهادی، همراه با تعلل در تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان، فضایی برای مصونیت عاملان خشونت فراهم کرده و آن را به امری تکرارشونده بدل کرده است.

ایران در سراشیبی فقر

مهلا جوادپور
روزنامه‌نگار

بررسی داده‌های منتشرشده از سوی «آچاره» نشان می‌دهد کوچ خانواده‌ها از مناطق مختلف تهران به حومه پایتخت، ۷۳ درصد بیشتر شده است.

«مردم حاضرند دردسرهای رفت‌وآمد از پردیس تا تهران را به جان بخرند، تا فقط بتوانند در خانه‌هایی کمی ارزان‌تر زندگی کنند. البته چاره دیگری هم ندارند». این را یکی از مشاوران املاک در پردیس می‌گوید؛ شهرستانی در ۱۷ کیلومتری شمال شرق تهران که در سال‌های اخیر به یکی از مقاصد اصلی مستأجران کم‌برخوردار تبدیل شده است. امکاناتش کم و فاصله‌اش با تهران درخورتوجه است، اما به دلیل قیمت پایین‌تر مسکن، حالا خانه بسیاری از کسانی است که تا چندی پیش در خود تهران زندگی می‌کردند. براساس داده‌هایی که روابط‌عمومی «آچاره» در اختیار «شرق» قرار داده، از سال ۱۴۰۲ به ۱۴۰۳ میزان اسباب‌کشی از مناطق بیست‌ودوگانه تهران به حومه (شامل پردیس، بومهن، پاکدشت، باقرشهر و...) ۷۳ درصد افزایش داشته است. این آمار که از سوی یکی از بازیگران اصلی حوزه اسباب‌کشی و حمل‌ونقل ارائه شده، نشان می‌دهد بخش بزرگی از جامعه نتوانسته پابه‌پای افزایش سرسام‌آور اجاره‌بها پیش برود و به‌ناچار به مناطق حاشیه‌ای نقل مکان کرده است. به عبارتی مردم ایران روزبه‌روز فقیرتر می‌شوند؛ مسئله‌ای که در موارد دیگر هم نمود پیدا کرده و قابل مشاهده است. بررسی داده‌های «آچاره» نشان می‌دهند در سال ۱۴۰۳، ۱۱،۵ درصد از اسباب‌کشی‌هایی که به حومه تهران انجام شده، از منطقه ۴ بوده است. منطقه‌ای در شرق تهران با محله‌هایی مثل تهرانپارس، حکیمیه، نارمک، هروی و... که سال‌ها سکونتگاه طبقه متوسط شهری بوده، اما حالا با افزایش شدید قیمت روبه‌رو شده و بخشی از ساکنان خود را به اطراف تهران فرستاده است. در رده‌های بعدی، مناطق ۵، ۳ و ۲ تهران دیده می‌شوند که به ترتیب ۵، ۴ و ۳،۵ درصد از کل اسباب‌کشی‌ها به حومه را به خود اختصاص داده‌اند. نکته درخورتوجه این است که این مناطق جزء محله‌های به نسبت برخوردار تهران مثل پونک، شهرک غرب، دروس، ونک و... محسوب می‌شوند و حالا برخی ساکنان آنها هم ناچار به ترک شهر شده‌اند.

از گاندی به بومهن

یکی از املاکی‌های بومهن با تأکید بر اینکه در سال‌های اخیر سرازیر شدن مردم تهران به اطراف پایتخت را مشاهده کرده، به «شرق» می‌گوید: «این موضوع دیگر برای ما عادی شده و تعجب نمی‌کنیم. بسیاری از مشتری‌های ما افرادی هستند که سال‌های قبل، در مناطق به نسبت خوب تهران زندگی می‌کردند اما حالا مجبور شده‌اند به این منطقه بیایند. یکی از مواردی که به یادم مانده، خانمی بود که ابتدا در گاندی زندگی می‌کرد، سال بعد رفت منیریه، بعد از آن میدان خراسان و حالا هم به بومهن آمده». مشاور املاک دیگری که در پردیس فعالیت می‌کند، به خبرنگار «شرق» می‌گوید: «کرایه‌ها و قیمت ملک در تهران سنگین است. مستأجران یا خریداران با همان قیمت می‌توانند خانه‌ای با متراژ بالاتر بخرند یا اجاره کنند. اینجا می‌توان یک خانه ۸۰ تا ۹۰ متری را با ۵۰۰ میلیون تومان رهن کامل کرد. مردم حاضرند دردسرهای رفت‌وآمد از پردیس تا تهران را به جان بخرند، تا فقط بتوانند در خانه‌هایی کمی ارزان‌تر زندگی کنند. البته چاره دیگری هم ندارند». یکی از مشاوران املاکی که در محله‌های دامپزشکی، سی‌متری جی و شهرری دفتر املاک دارد، با توجه به مشاهدات خود می‌گوید: «از سال ۹۹ به بعد، افزایش مهاجرت مستأجران به حومه تهران احساس شد. اکثر مشتری‌های ما از محله‌های طرشت و ستارخان و منطقه ۲ هستند. هر سال هم هرکدام به محله‌های پایین‌تر و حاشیه‌ای‌تر نقل مکان می‌کنند، چراکه اجاره‌ها هر سال بالاتر می‌رود». او همچنین اشاره می‌کند که اجاره خانه‌های با متراژ پایین به خانواده‌های پرجمعیت افزایش چشمگیری داشته است: «آخرین معامله‌ای که داشتیم، یک خانواده شش‌نفره بودند که یک خانه ۵۰متری را اجاره کردند».

گزارش‌ها نشان می‌دهد که با نزدیک‌شدن به فصل اجاره مسکن، قیمت‌ها روزبه‌روز در حال افزایش است و در برخی محلات، قیمت‌ها تا بیش از ۴۰ درصد افزایش داشته است. براساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم اجاره‌بها در سال ۱۴۰۳ به ۴۰،۳ درصد رسید و باعث شد بسیاری به مناطق حاشیه‌ای کوچ کنند، چراکه افزایش حقوق با رشد قیمت مسکن همخوانی ندارد. حالا حاشیه‌نشینی نه‌فقط در تهران، بلکه در اطراف شهرهای بزرگ مثل مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز هم به طرز چشمگیری افزایش یافته و مردم را به محله‌هایی با کمترین امکانات کشانده است.

حسرت یک لقمه گوشت

حاشیه‌نشینی تنها نشانه‌ای نیست که افزایش فقر را در ایران آشکار کرده است. چند سالی می‌شود که خبر حذف گوشت قرمز از سبد غذایی خانواده‌های ایرانی، تیتر ثابت رسانه‌ها شده؛ کالایی که گذشته از ارزش غذایی بالا، همیشه نقش اصلی را در بسیاری از غذاهای ایرانی داشته است. اما حالا با وجود گرانی‌ها، خیلی‌ها مرغ و سویا را جایگزین کرده و در خانواده‌های کم‌بضاعت‌تر، استخوان و دنبه جای گوشت و مرغ را گرفته است. مصرف اضافات مرغ به قدری رایج شده که برخی سایت‌ها و صحفات اینستاگرامی دستور پخت غذا با اسکلت مرغ منتشر می‌کنند.

افت مصرف سرانه گوشت قرمز در کشور از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ شروع شد و در سال‌های اخیر کمتر و کمتر شد. داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد متوسط سرانه مصرف محصولات پروتئینی ازجمله گوشت قرمز و سفید، در بازه سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۲، ۱۴ کیلوگرم کاهش یافته است. حالا مدتی می‌شود که دولت در اقدامی بحث‌برانگیز، گوشت گرم را از فهرست کالاهای اساسی خارج کرده و بیش‌ازپیش، افزایش قیمت گوشت را از یک مسئله اقتصادی به یک بحران اجتماعی تبدیل کرده است.

وقتی حداقل‌ها اقساطی می‌شوند

یکی دیگر از مسائلی که گواهی بر فقیرتر شدن خانواده‌های ایرانی است، افزایش فروشگاه‌ها و پلتفرم‌هایی است که امکان خرید اقساطی و شرایطی را برای مشتریان خود فراهم کرده‌اند. روی بیلبوردهای بزرگ شهری، خرید اقساطی لوازم خانگی تبلیغ می‌شود، آژانس‌های مسافرتی تورهای‌شان را اقساطی و شرایطی می‌فروشند و پلتفرم‌های آنلاین خرید، فروش کوچک‌ترین اقلام، از لباس تا لوازم آرایشی را اقساطی کرده‌اند. این ماجرا به مغازه‌های در سطح شهر هم رسیده است. مغازه‌ای در محله حمیدیان رشت، که یکی از محلات ضعیف این کلان‌شهر محسوب می‌شود، فروش ظروف و لوازم آشپزخانه را قسطی کرده است. قیمت اقلام این فروشگاه بین ۹۰ هزار تا یک میلیون تومان است و تا سال گذشته شرایط فروش اقساطی نداشته اما پایین‌آمدن قدرت خرید مردم این منطقه، صاحب مغازه را به این تصمیم واداشته است. بسیاری از پارچه‌فروشی‌ها هم چند سالی است که با افزایش قیمت پارچه، چنین شرایطی را برای فروش محصولات خود در نظر گرفته‌اند تا مشتریان خود را از دست ندهند. اقساطی‌شدن تورهای داخلی و خارجی به‌خوبی نشان می‌دهد که سفررفتن برای آنها که درآمد به نسبت مناسبی هم دارند، سخت شده است. آخرین آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که تنها هفت‌میلیون‌و ۷۸۸ هزار خانواره ایرانی در سال گذشته حداقل یک بار به سفر رفته‌اند؛ رقمی که نشان می‌دهد نزدیک به ۷۰ درصد از مردم کشور به طور کل سفر نکرده‌اند. این آمار در سال ۱۴۰۰، ۴۰ درصد بوده و در طی سه سال چنین تغییر بزرگی را تجربه کرده است.

آمارها، روایت‌ها و مشاهدات میدانی به‌خوبی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از خانواده‌های ایرانی زیر بار فشار اقتصادی به حاشیه رانده شده و توان تأمین نیازهای اولیه خود را یا ندارند یا به‌سختی از پسِ آن برمی‌آیند. سال گذشته سازمان بهزیستی اعلام کرد سه میلیون نفر را به طور مستقیم حمایت می‌کند اما هشت میلیون نفر از افرادی که شرایط مشابه دارند، به بهزیستی مراجعه کرده‌اند. این آمار نشان‌دهنده رشد تعداد افراد نیازمند کمک در کشور است. همچنین براساس گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد فقرا در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، ۱۰ میلیون نفر بیشتر شده است. فقر در جامعه امروز ایران، تنها با عدد و آمار سنجیده نمی‌شود؛ بلکه در سبک زندگی، الگوهای مصرف و جغرافیای سکونت مردم هم قابل مشاهده است. وقتی حرکت جمعیتی از قلب تهران به حاشیه‌ها شدت می‌گیرد و سکونت در شهر برای بخش درخورتوجهی از مردم به رؤیا تبدیل می‌شود، می‌توان نشانه‌های یک بحران عمیق را دید. مهاجرت معکوس از شهر به حومه، فقط یک تصمیم اقتصادی نیست؛ بلکه زنگ خطری است برای ساختار اجتماعی کشوری که طبقه متوسطش، هر روز بیشتر به حاشیه رانده می‌شود.

از جامعه چه خبر

۵۷ درصد کلاس‌ها نیازمند تخریب و مقاوم‌سازی

ایسنا: مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران اعلام کرد: «هشت هزارو ۵۳۲ کلاس درس نیاز به تخریب و بازسازی دارد. همچنین ۱۵ هزارو ۸۲ کلاس درس در تهران نیاز به مقاوم‌سازی دارد که معادل حدود ۵۷.۷ درصد از این کلاس‌ها در شهر تهران است». عباس زارع ادامه داد: «در حال حاضر در شهر تهران به ساخت ۱۸۱ مدرسه نیاز داریم که معادل ۲۷۱۵ کلاس درس است که نشان‌دهنده نیاز فوری شهر تهران به توسعه فضای آموزشی است». او با بیان اینکه سرانه فضای آموزشی در تهران ۶.۹ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز است، درحالی‌که میانگین کشوری ۵.۴۵ مترمربع است عنوان کرد: «در پنج منطقه از تهران سرانه حتی کمتر از میانگین شهر است. در سال جاری، حدود ۱۸ مدرسه با مجموعا ۲۱ تا ۲۶ هزار مترمربع زیربنا در برنامه تحویل قرار دارند؛ اما یکی از مشکلات مهم، زمان‌بربودن تحویل زمین از آموزش و پرورش است، به‌ویژه در پروژه‌هایی که تعریف‌شده هستند اما عملیات اجرائی آنها به تأخیر می‌افتد. این یعنی مشکل اصلی، کمبود زمین در تهران است». زارع درباره تبدیل مدارس دولتی به غیردولتی ادامه داد: «مدارس ساخته‌شده با بودجه دولتی اساسا در اختیار دولت باقی می‌مانند و اگر جایی مدرسه‌ای تغییر کاربری داده شده یا به بخش غیردولتی واگذار شده، حتما با پیگیری متوقف شده است. تبدیل مدارس دولتی به غیردولتی با رویکرد و سیاست‌های ما سازگار نیست». او گفت: «در مجموع ۲۰۰ هزار دانش‌آموز مهاجر داریم که از این تعداد حدود ۵۰ هزار دانش‌آموز اتباع در شهر تهران و حدود ۱۵۰ هزار دانش‌آموز در شهرستان‌های استان حضور دارند و این دانش‌آموزان در شش هزار کلاس درس تحصیل می‌کنند. با این تعداد و ارتقای سرانه آموزشی به ۳۸۸ کلاس درس نیاز داریم».

یادداشت

جرم ما: آلزایمر ادواری

ادامه از صفحه اول

واکنش‌ها نسبت به یک قتل، درست و بجا، اما مسئله مهم‌تر این است که موج واکنش‌ها وقتی به درد می‌خورد که در دل برنامه‌های جدی و فراگیر برای مقابله با موج بزه می‌تواند قرار داشته باشد؟ شهر و بیابان را چگونه باید از این وضعیت جرم‌زا پاک کرد؟ پاسخی نیست؛ سکوت برقرار است. نظام برنامه‌ریزی و نظام قانون‌گذاری ایران هیچ ایده و حتی توجهی به سیاست‌های پیشگیری از جرم ندارد. مقوله پیشگیری از جرم در گفتمان جریان‌های فکری ایران نیز مفقود است.

تا عزم ملی براساس یافته‌های علمی و کارشناسی برای پیشگیری از جرم و مبارزه با بزه شکل نگیرد، باید شاهد گسترش علفزار جرم و جنایت باشیم.

جدول ۵۰۷۱ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کشور ساحل طلای آفریقا- قلیل- حقه سینمایی ۲- جانشین- نوازنده برجسته و فقید سازهای کوبه‌ای در موسیقی هند- تکرار حرفی ۳- سرمشق- نقاب- حرف آزاردهنده ۴- طلب باران از خداوند- پوشاک- اجازه ۵- آویز جلوی پنجره- بانمک- درست‌نویسی ۶- ورقه‌های نازک سیب‌زمینی برشته‌شده- زمین بی‌صاحب- شکم ۷- طرح و الگو- دانه تند خوراکی- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا ۸- بوی رطوبت- عملیات آزادسازی بستان در دوران دفاع مقدس- قومی ایرانی ۹- حروف ادغام در زبان عربی- سخنان مضحک می‌گوید- حیرت ۱۰- دیشب- همیشه- حبه خشک‌شده انگور ۱۱- محل پیدایش چیزی- وضع حمل- نوعی طلاق ۱۲- مخفف دیگر- امپراتور دیوانه روم باستان- آموزشگاه هنری ۱۳- یازده- سقف فروریخته- آنچه از بین رفته است ۱۴- طرف- دقیق و ریزبین- کاهش تدریجی ۱۵- با چشم دیدن- کوی- حشره‌ای که از شیره درختان تغذیه می‌کند.

عمودی:

۱- بانگ و فریاد- سبز روشن- همیشگی ۲- سخن صریح- درخت تبریزی- نویسندگی ۳- سازمان پلیس جنایی بین‌المللی- چاره‌اندیش ۴- شش‌ضلعی- برآمدن خورشید- دریایی از یونان تا ترکیه ۵- خوراک سفر- مقابل خرید- دستگاهی برای شکل‌دادن به فلزات ۶- رمان مشهور امیل زولا- هر داروی نرم‌کننده مزاج- بزرگ‌ترین نشخوارکننده روی زمین ۷- دکان کوچک- کامیاب- پشت سر ۸- سرود دسته‌جمعی- آخرین پادشاه خوارزمشاهی که یک‌تنه در برابر مغولان ایستاد- رطوبت ۹- پشتیبانی- نان نازک- ستایش ۱۰- سهل‌انگاری‌کردن- دارای حق تقدم- ترسناک ۱۱- لامپ‌های تزئینی به هم وصل‌شده- شراب- گل زیبای بهاری ۱۲- میدانی در تهران- اقیانوس آتلانتیک- مفید و مؤثر ۱۳- امانتداران- باشگاه فوتبال ترکیه‌ای ۱۴- اوباش- رنجیده و آزرده- پراکندگی ۱۵- گودی- قوای نظامی یک کشور- بخش مرکزی اتم

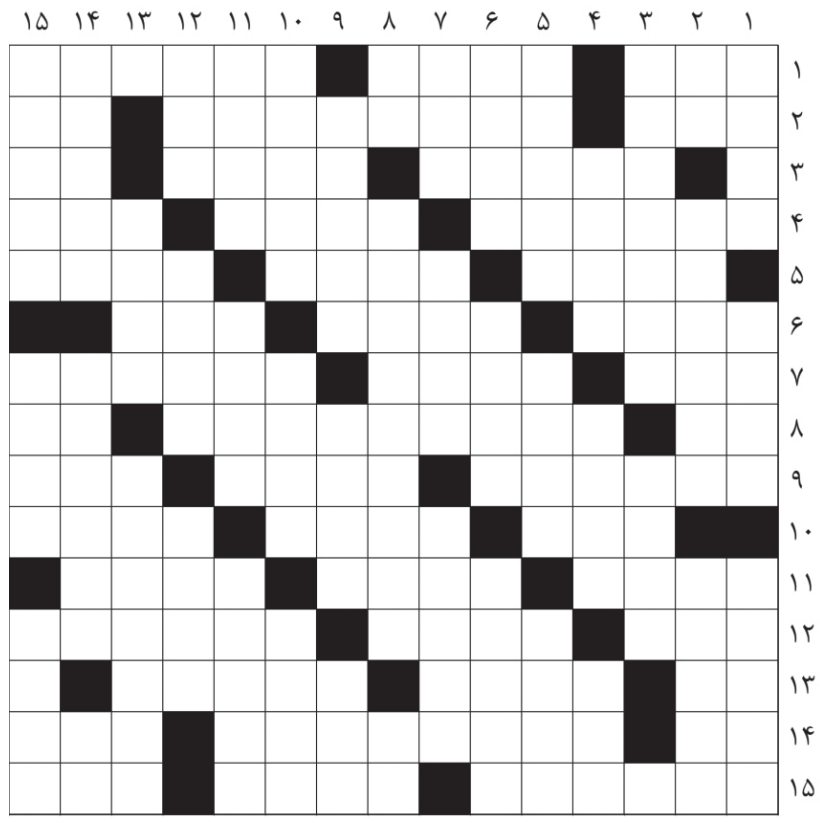

حل سودوکو ۴۰۶۶

۸	۷	۶	۴	۲	۳	۹	۱	۵
۳	۱	۵	۹	۸	۶	۲	۷	۴
۴	۲	۹	۷	۵	۱	۳	۸	۶
۲	۳	۴	۶	۷	۹	۱	۵	۸
۹	۶	۱	۵	۴	۸	۷	۳	۲
۵	۸	۷	۳	۱	۲	۶	۴	۹
۱	۴	۲	۸	۶	۷	۵	۹	۳
۷	۵	۳	۲	۹	۴	۸	۶	۱
۶	۹	۸	۱	۳	۵	۴	۲	۷

۳	۸	۴	۲	۶	۵	۷	۱	۹
۶	۹	۱	۴	۷	۳	۲	۵	۸
۷	۵	۲	۸	۱	۹	۶	۴	۳
۸	۴	۹	۱	۳	۲	۵	۷	۶
۱	۲	۷	۵	۸	۶	۳	۹	۴
۵	۳	۶	۹	۴	۷	۸	۲	۱
۴	۱	۳	۷	۵	۸	۹	۶	۲
۲	۶	۵	۳	۹	۴	۱	۸	۷
۹	۷	۸	۶	۲	۱	۴	۳	۵

حل جدول ۵۰۷۰

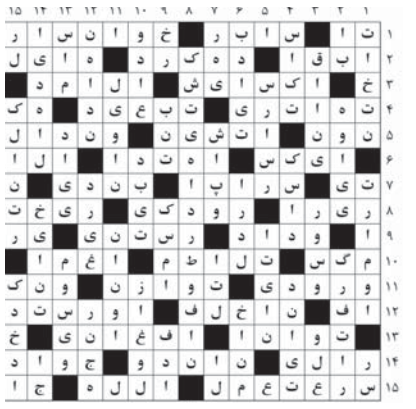

سودوکو سخت ۴۰۶۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶			۲			۵		
	۲			۶		۱		
				۳	۴		۷	
						۷	۹	۲
		۶				۴		
۸	۷	۹						
	۳		۴	۸				
		۴		۹			۲	
		۵			۳			۷

سودوکو ساده ۴۰۶۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۱		۳		۴			۹
۳							۷	
۲	۴	۹	۶					
			۵	۴		۹	۲	
۹				۶				۸
	۶	۲		۱	۹			
					۶	۸	۵	۳
	۵							۴
۶			۴		۵		۹	